

دانشمندان اصفهان

(۴)

عماد کاتب

عماد کاتب یکی از تاریخ نگاران است که آثار تاریخی و ادبی نفیسی از خود بیادگار گذاشته و مورخین هم به گفته های او استناد می نمایند این دانشمند بزرگ بیشتر زندگانی خود را در دیار تازی بسر برده و با بیگانگان بیشتر آمیزش داشته است .

این خلیکان در تاریخ و قیات الاعیان نسب عماد کاتب را این قسم می نویسد ، ابو عبد الله محمد بن صفی الدین ابی الفرج محمد بن نفیس الدین ابی الرجاء حامد بن محمد بن عبد الله بن علی بن محمود بن هبة الله مشهور به برادر زاده عزیز و شرح حال عمومی زرگوارش هم در کتاب قیات الاعیان مسطور است .

پرورش عماد در اصفهان بوده و برای ادامه تحصیلات در هنگام جوانی به بغداد رفت و فقه را در نزد شیخ ابی منصور سعید بن محمد بن وزان مدرس مدرسه نظامیه آموخت و حدیث را از ابو حسن علی بن هبة الله ابن عبد السلام و ابو منصور محمد بن عبد الملك بن حیرون و ابوالمکارم مبارک ابن علی سمرقندی و ابی بکر احمد بن علی بن اشقر و غیره شنید و مدتها در بغداد بود و مذهب شافعی داشته و تحصیلات خود را در مدرسه نظامیه بغداد که در آن عصر از بزرگترین دانشگاه ها بود به پایان رسانید و در علوم ادب

و تاریخ استاد بود. پس از پایان تحصیلات از پیشکاران وزیر عون الدین یحیی گردید و او را در بصره و واسط والی گردانید و در زمان وزارت آن وزیر دانشور بخوشی و آسودگی خاطر زندگانی می نمود تا آنکه وزیر دانش گستر مرد و زندگانی عماد خیلی دگرگون شد و به سختی دچار شده ناچار ترك دیار عراق گفته و رهسپار شام گردید و در شعبان ۵۶۲ هجری وارد دمشق گردید. شهریار وقت نور الدین ابوالقاسم محمود اتابك زنگی بود و متصدی امور دولتی هم قاضی کمال الدین ابوالفصل محمد شهر زوری بود قاضی فاضل عماد کاتب را شناخت و مجالس او را دیده بود و پرسشی در یکی از مباحث علمی از او نموده بود و امیر کبیر نجم الدین ابوشکر ایوب بدر سلطان صلاح الدین ایوبی عماد کاتب را بنواخت و عموی او عزیز در قاعه فکرت هم مهمان تازة را گرمی داشته و او را بنواختند و نوازش ها نمودند و عماد را از بزرگان و اعیان کشور شام برتری دادند. سلطان صلاح الدین ایوبی عماد را بواسطه پدرش شناخت و دانشمند اصفهانی مدیحه در وصف شهریار ایوبی گفته و آن قصیده را در کتاب (البرق الشامی) که از تالیفات وی است وارد ساخته قاضی کمال الدین در نزد شهریار وقت نور الدین پس اشارت بفضایل و کمالات وی اهل بیت او را برای انشاء باز گفت. عماد کاتب می گوید من در این خصوص در شکفت شدم چه آنکه امور منشی گری از کار های من نبود و گمان نمی کردم که بتوانم آن را انجام دهم و دستور دبیری و اصول انشاء را عماد کهنه کرده بود اگر چه هنوز آن را فراموش نکرده بود و در آغاز دبیری وی ترس و وهم او را فرا گرفت و هنگامی که متصدی دبیر خانه شهریار شد بخوبی توانست امور نگارش را انجام دهد و تعبیرات نیکو و شکفتی می نوشت و بقول ابن خلکان عماد منشآت را عجمی می نوشت و

در این مدت رابطه دوستی وی با صلاح الدین ایوبی زیاد تر گردید و پیوستگی تامی پیدا کرد و مقامش در نزد شهریار نور الدین زیاد تر گردید. شهریار اسرار خود را با عماد کاتب می گفت و یک مرتبه هم سفیر شده به بغداد رفت و پس از بازگشت تدریس مدرسه معروفی را در دمشق به او واگذار نمودند و این سمت در ماه رجب ۵۶۷ هجری بود و در سال ۵۶۸ در ردیف اشراف و دیوان قرار گرفت و همیشه خوش گذران و آسوده خاطر زندگانی می نمود تا آنکه شهریار نور الدین وفات نمود و جانشین وی پسر کوچکش اسماعیل شد و امور کشور را کسانی در دست گرفته بودند که با عماد کاتب خوب نبوده و از او بیزاری می جستند و او را در تنگی و سختی و فشار قرار دادند تا آنکه ناچار ترك دمشق گفته و بغداد رهسپار شد و چون به موصل رسید در آنجا بیمار گردید و آنجا شنید که سلطان صلاح الدین از دیار مصر بیرون آمده تا دمشق را تصرف کند و در چهارم جمادی الاول سال ۵۷۰ هجری از موصل خارج شد و راه بیابان را پیش گرفت تا به دمشق رسید و در هشتم جمادی آخر صلاح الدین به حلب نزول کرده بود و قلعه حمصی در شعبان همان سال تسلیم شده بود و عماد بحکم آشنائی گذشته قصد خدمت شهریار ایوبی نمود و قصیده در مدح او سروده و به آغاز گرفتاری خود اشاره کرد و بدرب سلطان ابستاده تا شهریار نزول کند و با او در حرکت شود و کم کم از حواشی و درباریان شاه شد و قصائد و مدایح زیادی در مدح شهریار ایوبی سروده و در آنها اشاره به صحبت های قدیم خود نمود تا آنکه در سلك درباریان قرار گرفت و کم کم از بزرگان و خواص و از درباریان مشهور گردیده و وزیران و مردان ترك او را در کارها واسطه قرار میدادند و قاضی فاضل بیشتر اوقات از خدمت

شهریار دور شده و برای رسیدگی به امور مصر رهسپار میشد و عماد کاتب همیشه ملازم در بار شاهی درشام بود

عماد کاتب در زمان صلاح الدین ایوبی بخوشی زندگانی می کرد تا آنکه شهریار ایوبی برحمت حق پیوست و دوباره پریشانی و اختلال امور تولید گردید و دیگر روز خوشی را درک نکرده و گوشه نشینی اختیار کرد و مشغول تالیف و تصنیف گردید. تولد عماد کاتب در روز دوشنبه دوم جمادی الاخر و بعضی گفته اند در شعبان سال ۵۱۹ هجری ۱۱۳۶ میلادی در اصفهان بوده است و در روز دوشنبه اول رمضان سال ۵۷۷ هجری مطابق ۱۲۰۱ میلادی در دمشق وفات کرده و در گورستان صوفیه بیرون دروازه نصر مدفون شد. عماد کاتب در دوره زندگانی خود تغییرات و پیش آمدهای زیادی دیده و سردی و گرمی روزگار را چشیده و بارها درنوش و نیش چرخ و فلک قرار گرفت و توشه برای زندگانی خود ذخیره نکرده بود و زحمات ها کشید تا چند روزی را به آسودگی خاطر زندگانی کند و درگیر و دار سیاست و اجتماع و امور دولتی و کشوری مشغول بود و دشمنان زیادی پیدا کرد که ناچار شد ترك دمشق گفته و رهسپار خاك بين النهرين گردد ناگاه نسیم سعادت او وزیده و ستاره اقبال او دوباره روشن شد و مدتها در دربار شهریار ایوبی به خوشی و کامرانی زیست کرد و عنوان علمی و ادبی خود را حفظ کرد و در نزد ارباب معرفت به فضل و دانائی مشهور شد تا آنجا که استادی مدرسه را در دمشق به او برگذار نموده و مشغول افاده و تدریس گردید و در روزگار پیری و گوشه گیری تالیفات و تصانیف خود را آغاز و به انجام رسانید و کتاب های نیکو و نفیسی در تاریخ و ادب تالیف کرده که اکنون هم از آثار معتبر

ادبی و تاریخی بشمار می رود و هرگاه در دیوان و آثار قلمی او دقت بیشتری
نمائیم ممکن است مفصلاً در شرح حال و آثار وی مقالات مسلسل و بلکه
کتابی را فراهم ساخت

عماد کاتب بیشتر از يك مرتبه اصفهان را ندیده و آنهم پرورش
نحستین وی در اصفهان بود پس از ورود به بغداد دیگر نتوانست و با نخواست
که دو باره بازگشت به اصفهان نموده و زایشگاه خود را بار دیگر به بیند
عماد کاتب در سرودن اشعار عربی استاد بوده و چندین مجلد اشعار
از خود بیادگار گذارده است و در شعر و نثر و تاریخ استاد بوده و نگارشهای
تاریخی او مزیتی خاص در بر دارد چون بیشتر داستان هارا با چشم دیده و
شرکت در وقایع مهم داشته است و اتفاقات نزدیک بر عرصه او روی داده بهتر
توانسته است قضایا را از جنبه تاریخی نگاری تالیف کند

در خانمه یاد آوری میشود که بهاء الدین ابرطالاب عموی عماد کاتب
مورخ معروف سلجوقیان وزیر آقسنقر بوده است و ابن اثیر در سال های
۵۱۶ و ۵۲۳ و ۵۲۵ و ۵۲۷ و تاریخ عماد کاتب چاپ مصر از چگونگی این
شهریار نقل می نماید

(تالیفات عماد کاتب)

۱- کتاب خزیده القصر و خزیده العصر : این کتاب ذیل کتاب
دمية الدهر تالیف ابی المعالی سعد بن علی و راق خطیری است که خطیری
کتابش ذیل کتاب دمیه القصر و عصره اهل العصر باخرزی است و باخرزی
کتاب خود را ذیل یقیمه الدهر ثعالبی نیشابوری قرار داده و او ذیل کتاب
بارع تالیف هارون بن علی منجم می باشد ، عماد کاتب در کتاب خزیده القصر
خود شعرائی را نام برده که بعد از سنه ۵۰۰ هجری بوده اند تا سال ۵۷۲

هجری و شرح حال و آثار شعرای عراق عرب و ایران و شام و جزیره و مصر و مغرب را نقل کرده است و کمتر شاعریست که نام و اثری از او در این کتاب نیست مگر آنکه خیلی گمنام باشد و این کتاب را نیکو تالیف کرده است و درده جلد قرار داده

۲- کتاب البرق الشامی - در هفت جلد کتابی است تاریخی که در آغاز آن از زندگانی خود نوشته و وضعیت انتعاش خود را از عراق عرب به شام و داستان هائی که به سر او وارد شده و مقداری از فتوحات شام را ذکر کرده است و از کتاب های نفیس بشمار میرود و این کتاب را برق شامی نام نهاده چه آنکه مانند برق خوشی ها و کامرانی های او ازین رفت

۳- کتاب الفتح القدسی فی الفتح القدسی در ۲ جلد در خصوص فتوحات بیت مقدس

۴- کتاب السبل علی الذیل این کتاب ذیل تالیف سمعانی است که او ذیل به تاریخ بغداد تالیف خطیب حافظ می باشد

۵- کتاب نصره الفتره و عصره القطره در اخبار دولت سلجوقی

۶- دیوان رسائل که شامل منشآت و نامه های او میباشد

۷- دیوان شعر در ۴ جلد که شامل قصائد بزرگی است

۸- دیوان کوچک که تمام آن دوبیتی است

و بقول ابن خلکان مکالمات و محاورات لطیفی مابین عماد و قاضی فاضل بوده است و بیشتر آثار عماد کاتب در مصر و سوریا به چاپ رسیده و مورد توجه ارباب معرفت میباشد.